



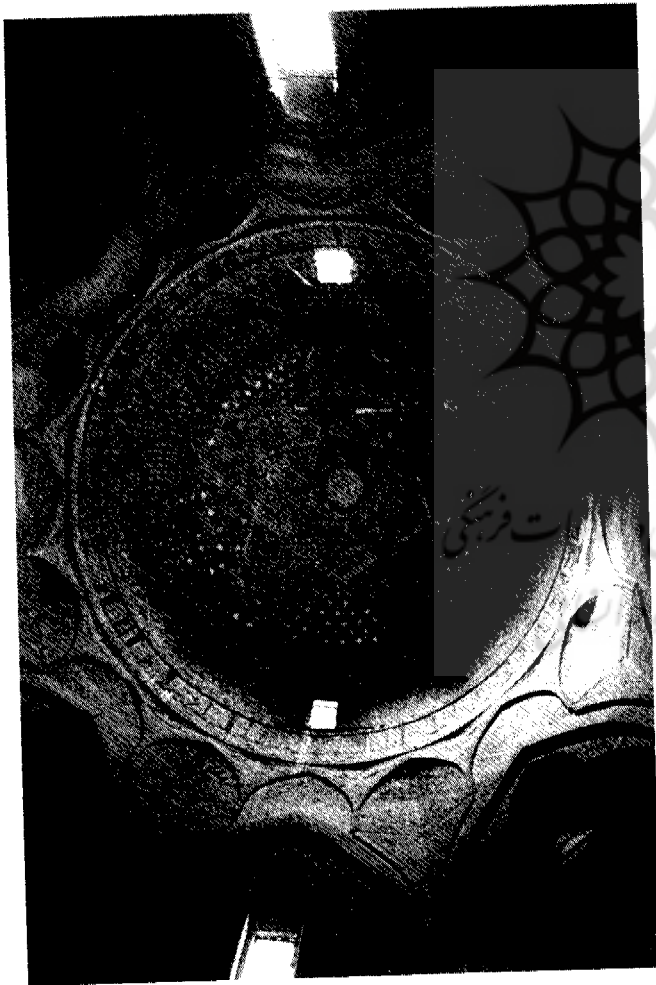
پروژه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

# هنرهای تجسمی

# هنر کاشی کاری در اسلام

محمود ماهرالنقش

سقف گنبد خواجه نظام الملک - مسجد جامع اصفهان



با استقرار حکومت اعراب و به دنبال آن زوال دولت ساسانیان در سال ۳۱ ه.ق. آثار دین اسلام در تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم ایران آشکار و به آسانی به عنوان پدیده‌ای نو مورد قبول واقع گردید.

از آنجا که حضرت محمد (ص) مسجد را به عنوان پایگاه مذهبی بنا نهاده بود، این امر موجب گردید توسط مردم سایر بلاد که به نحوی دین اسلام در آنها راه یافته بود به تبعیت از سنت پیغمبر مساجد بنا گردد و شاید بتوان گفت معابد و مکان‌های مذهبی دوران قبل نیز همراه آن به مسجد تبدیل گردید.

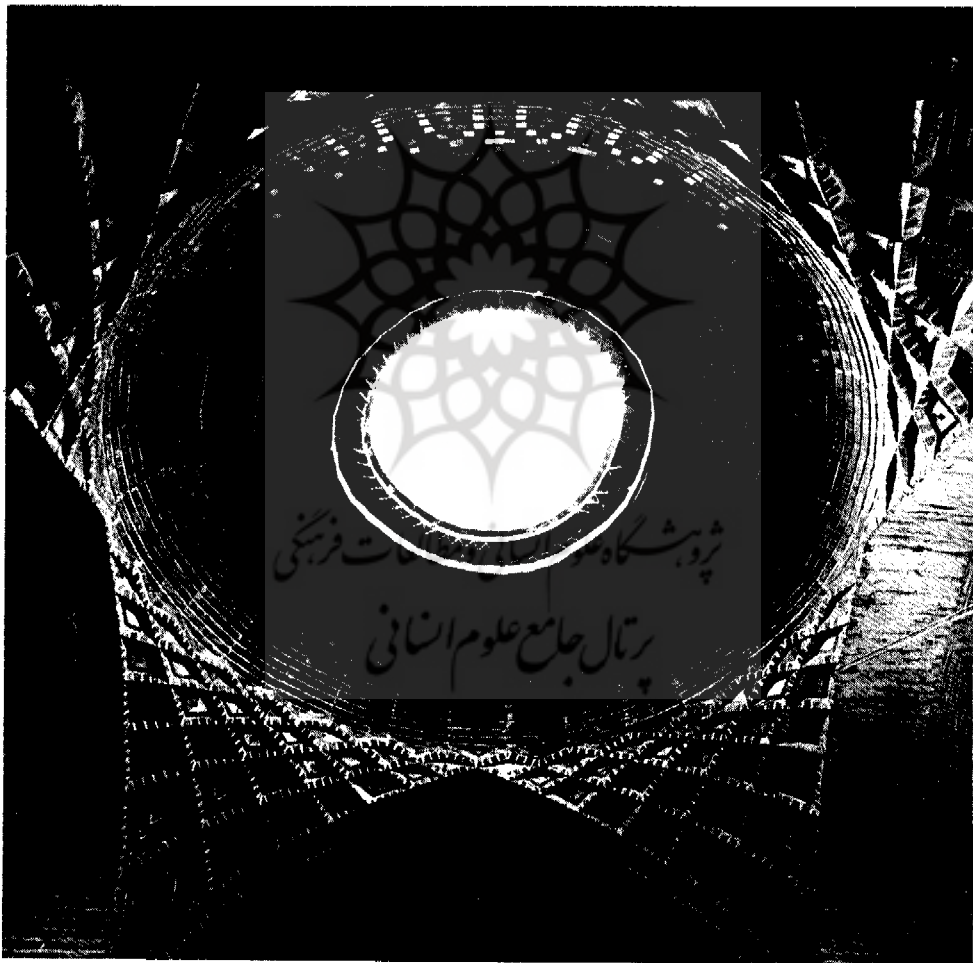
این مساجد که با دست هنرمندان هر دوره بنا می‌شد، در زمینه شیوه ساخت و نماکاری روند تکاملی خود را به همت دیگر هنرمندان طی می‌کرد. هنر دست به دست می‌گشت و از شهری به دیاری دیگر کوچ می‌کرد و در هم تلفیق می‌شد و هنر نو دوران خود را می‌ساخت. در این میان روابط ایران و چین توانست در زمینه‌های مختلف هنری هر دو کشور تأثیر به سزایی داشته باشد. همان‌طور که مینیاتور و هنرهای دیگر چین بر هنر ایران اثر بخشید این تأثیر را متقابلاً هنر ایران بر چین بر جای گذاشت.

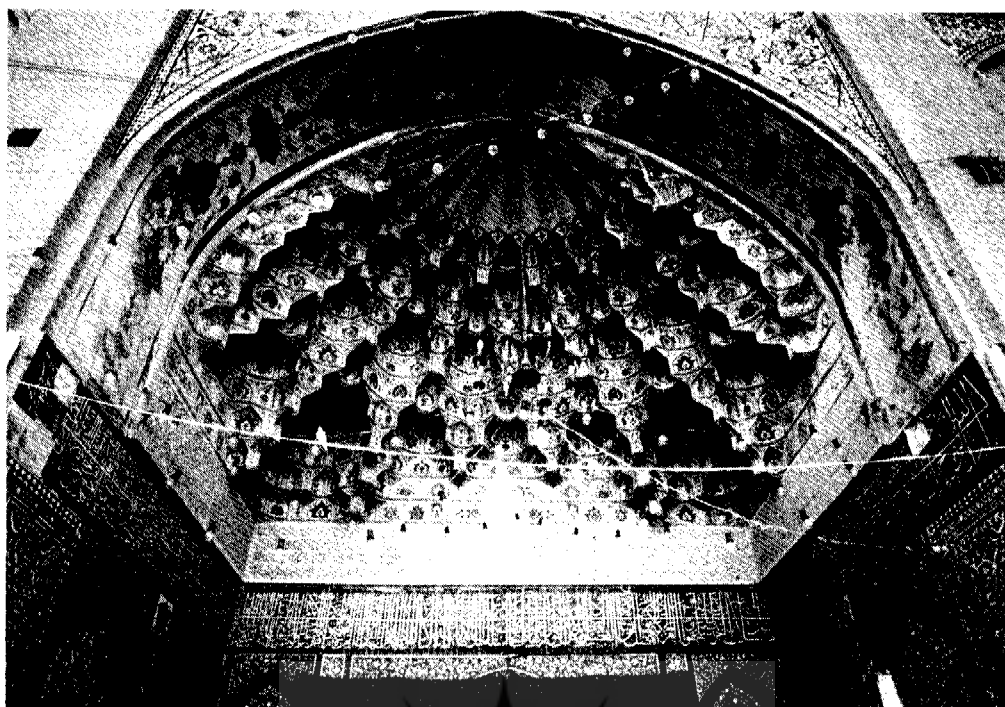
هنرمندانی که با معماری ایران مستقیماً در تماس

با سابقه معماری در ایران و با اطلاعاتی که اهل فن از این هنر دارند نمی‌توان کاشی‌کاری را از ایران جدا دانست. هنر اصیل معماری توانست در دوران اسلام همراه با دگرگونی‌های پدید آمده در کیفیت و تنوع مصالح پیکر بناها را (داخل و خارج) بیوشاند و آنها را با زیبایی خاص و منحصر به فردی زینت بخشد. در کاشی‌کاری ایران از رنگ‌های متنوع استفاده شده و این رنگ‌ها توانستند جای خود را در هر نقشی چه گیاهی، چه هندسی و ... باز نمایند و با نشستن کنار یکدیگر بر زیبایی نقش بیفزایند.

آجر چینی سفید - رگ‌پوش دایره‌ای (رسمی‌بندی یا کاربندی) - مسجد حکیم اصفهان

بودند و شناخت کافی از آجر و سفال هر محل داشتند، قادر گشتند آجر را که یکی از بهترین مصالح ساختمانی دوران پیش از اسلام و بعد از آن به شمار می‌رفت در بناهای جدید یعنی مساجد و مدرسه‌های علوم دینی به کار گرفته و به بهترین نحو از آن استفاده کنند. برای مثال می‌توان از گنبد خواجه نظام‌الملک در مسجد جامع اصفهان نام برد. به استناد شواهد و آثار موجود مساجد ابتدا به طور یک ایوانی و بعدها به دو و چهار ایوانی تبدیل شدند و روسازی و زینت آنها از دوره سلجوقیان آغاز گردید.





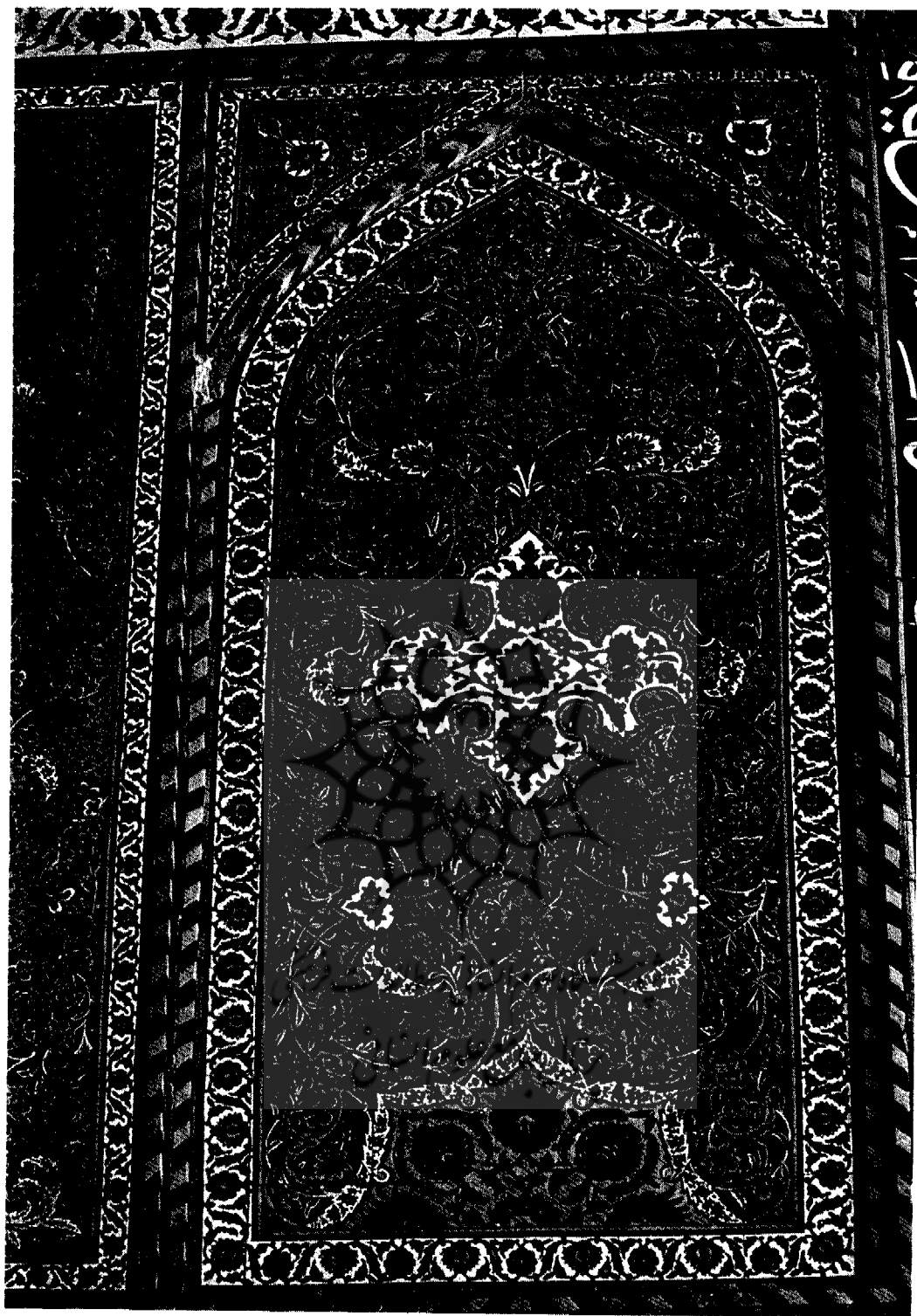
▼ خط‌بنایی - اصفهان - مسجد جامع

▲ مقرنس - قم - علی ابن جعفر

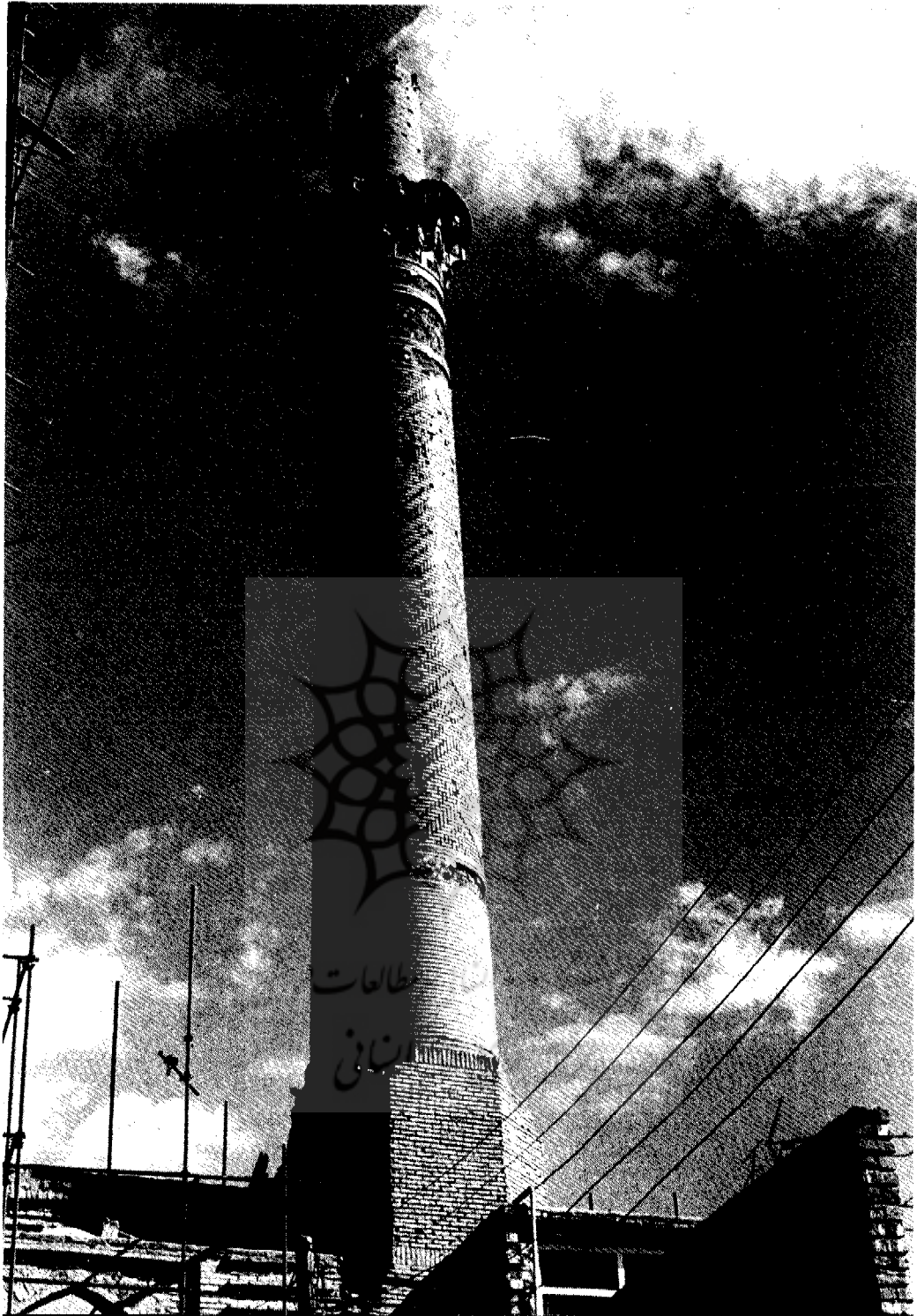


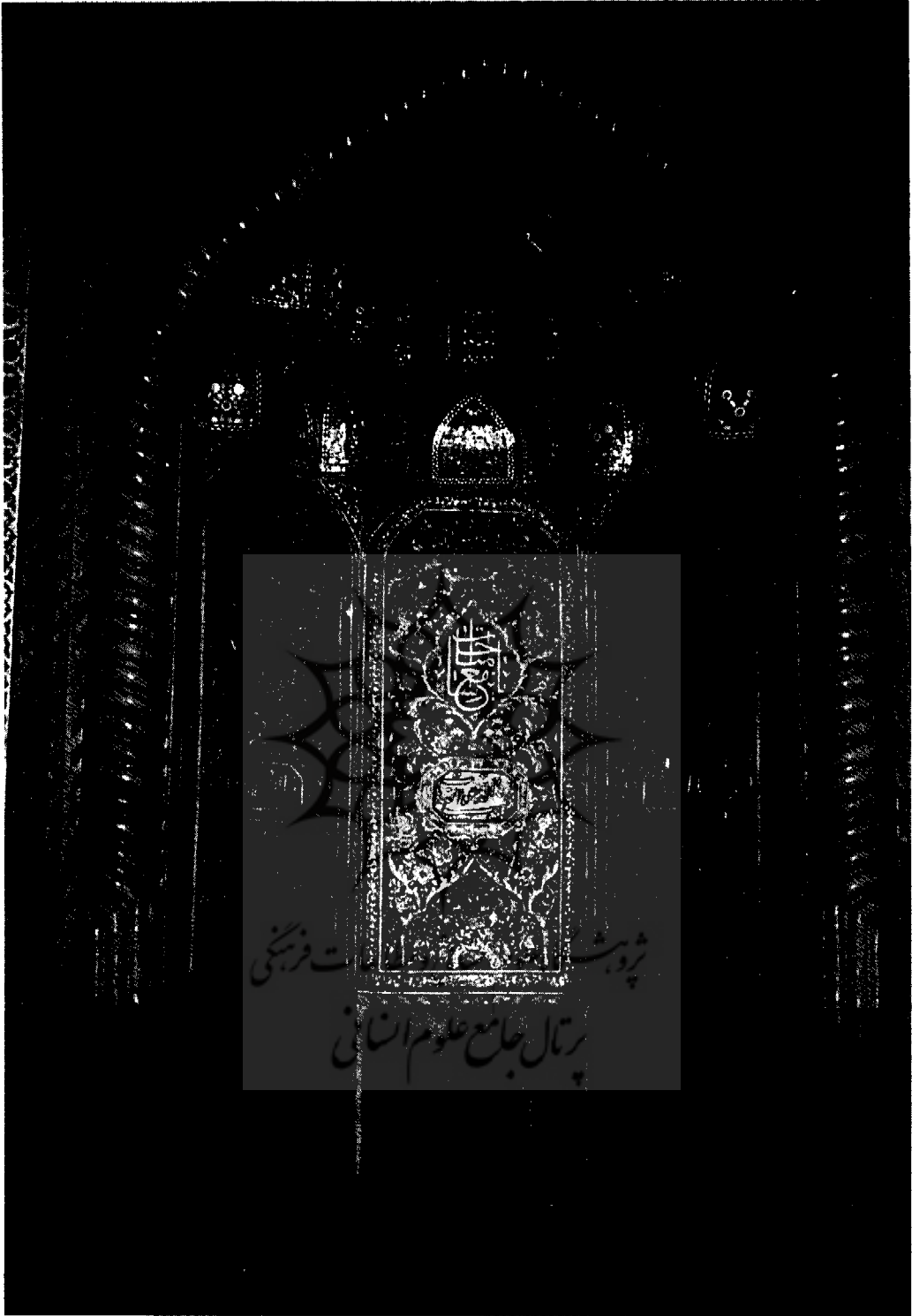
با تراشیدن و کوچک کردن قطعات کاشی می‌توان هر نقشی را به وجود آورد. کاشی تا زمانی که در یک مربع یا مربع مستطیل قرار دارد قابل انعطاف نیست ولی زمانی که به قطعات کوچک‌تر در آورده می‌شود به چنان انعطاف شگفت‌انگیزی دست می‌یابد که می‌توان آن را در هر سطح یا قوسی به کار برد. به خاطر همین خصیصه و ذوق سرشار هنرمندان ایرانی در کار کاشی‌کاری ایران از اشکال هندسی گرفته تا معقلی، رسمی‌بندی، مقرنس‌ها، گل و بوته‌ها، اسلیمی، خط‌بنایی و خطوط مختلف دیگر به نحو احسن استفاده شده است. کاشی‌های ساخته شده در سطح دیوارها، اطراف گنبدها، زیر و روی قوس‌ها، و پیچ و خم مقرنس‌ها و دور تا دور مناره‌ها به طرز بسیار زیبا به کار گرفته شده‌اند.

هنرمندان با نصب کاشی‌های پیچ دور تا دور محراب‌ها و نوشتن خطوط بنایی، خط‌نسخ در اطراف



اسلمی - اصفهان - مسجد سید





خود همراه بوده است. زمانی ساختمان‌ها را با سنگ می‌ساختند و آن را با کنده کاری می‌آراستند و زمانی دیگر با آجر و نقوش آجری که با تراش دادن آجرها بر زیبایی بنا می‌افزودند. آن زمان که اسلام به اوج خود رسیده بود و ادیان دیگر در هر جای دنیا سعی بر آن داشتند که با زینت عبادتگاه‌های خود جذابیت و یک حالت تقدس به آنها دهند، مسلمانان ناگزیر شدند خود نیز این شیوه را به کار گیرند. در دنیای مسیحیت با مجسمه‌سازی، نقاشی از جانداران، سرامیک‌سازی، منبت‌کاری، و نقاشی روی شیشه به تزئین کلیساها پرداختند، روشن است در این رابطه هنرمند مسیحی با محدودیتی روبه‌رو نبوده و دستش در هر یک از هنرها و مصالح موجود روز باز بوده است.

اما از آنجایی که در دین اسلام مجسمه‌سازی و نقاشی از جانداران منع گردیده، هنرمندان مسلمان با الهام گرفتن از هنرهای دیگر هنر کاشی‌کاری را برای گره‌کشی با گل‌های تک به - اصفهان - مسجد سید

و دیواره‌های محراب چنان مناظر بدیعی به وجود آوردند که چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند. انواع بی‌شمار نقش‌های هندسی که نمی‌توان در این راه انتهایی برای آن فرض کرد، همراه با سایر نقش‌های موجود قادرند پشت و بغل قوس‌ها، سطح دیوارها، در وسط تقسیمات رسمی‌بندی‌ها، بر پیکره مناره‌ها و همچنین در دل قطاربندها بنشینند و آنها را زیبا سازد. نقش‌های هندسی می‌توانند به تنهایی در هر سطحی و با هر وسعتی که باشد به کار گرفته شوند. در بعضی اوقات با گل و گیاه همراه باشند. گل و گیاهی که همراه نقش‌ها در سطح کار می‌نشینند گاه فضای یک شکل هندسی را می‌پوشاند که به تک‌بوته معروف است و تکرار آن در نقش بسیار زیبا و زمانی پا را فراتر گذاشته و داخل اشکال دیگر هندسی شده و مجموع سطح هندسی موردنظر را دربر می‌گیرد و بر زیبایی آن می‌افزاید. باید یادآور شویم که هنر در هر زمانی با معماری خاص





می‌بایست به هر قطعه و به طور کلی مجموعه قطعاتی که کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و غیره... اطلاق کرد، خلاصه نمود.

کار کاشی‌کاری از بدو پیدایش مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته، ابتدا کاشی را با آجر تلفیق کردند و هنری نو در کار آجرکاری به وجود آوردند. آجرها را قبل از پختن به شکل پیش‌بر به کوره می‌بردند و گاهی بعد از پخت آنها را تراشیده و به شکل دلخواه درآورده و با کاشی در هم پیچیدند و کاری زیبا ارایه دادند و به آن کاشی پیش‌بر نام نهادند.

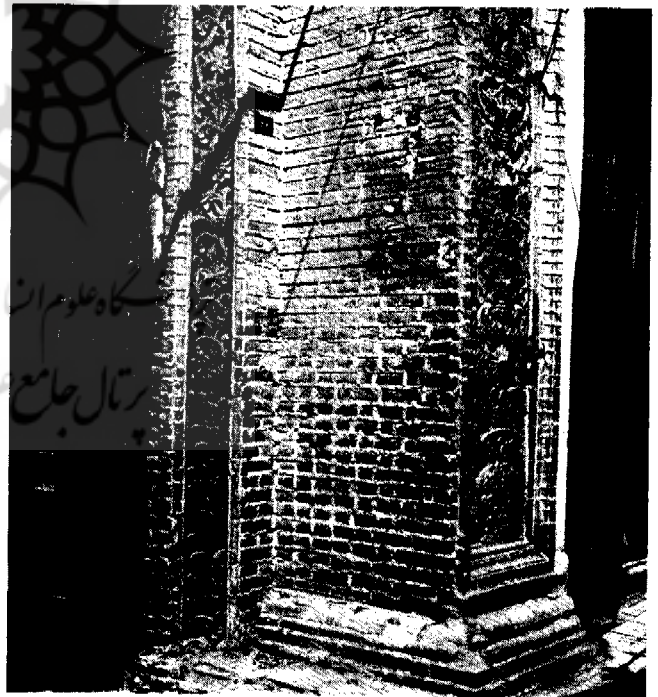
سیس قالب‌هایی گود و برجسته ساختند و گل را در قالب ریختند و پس از پختن در گودی‌های آن لعاب ریخته و در کوره به آن حرارت دادند تا پخته شود و آن را کاشی مهری نامیدند. (گاهی گودی و برجستگی را با لعاب کامل می‌پوشانیدند) و پس از پهلوی هم قرار دادن کاشی‌های مهری نقش دلخواه را به دست گل و بینه با تراش دادن آجرها - تهران - سر در بالای پنجره

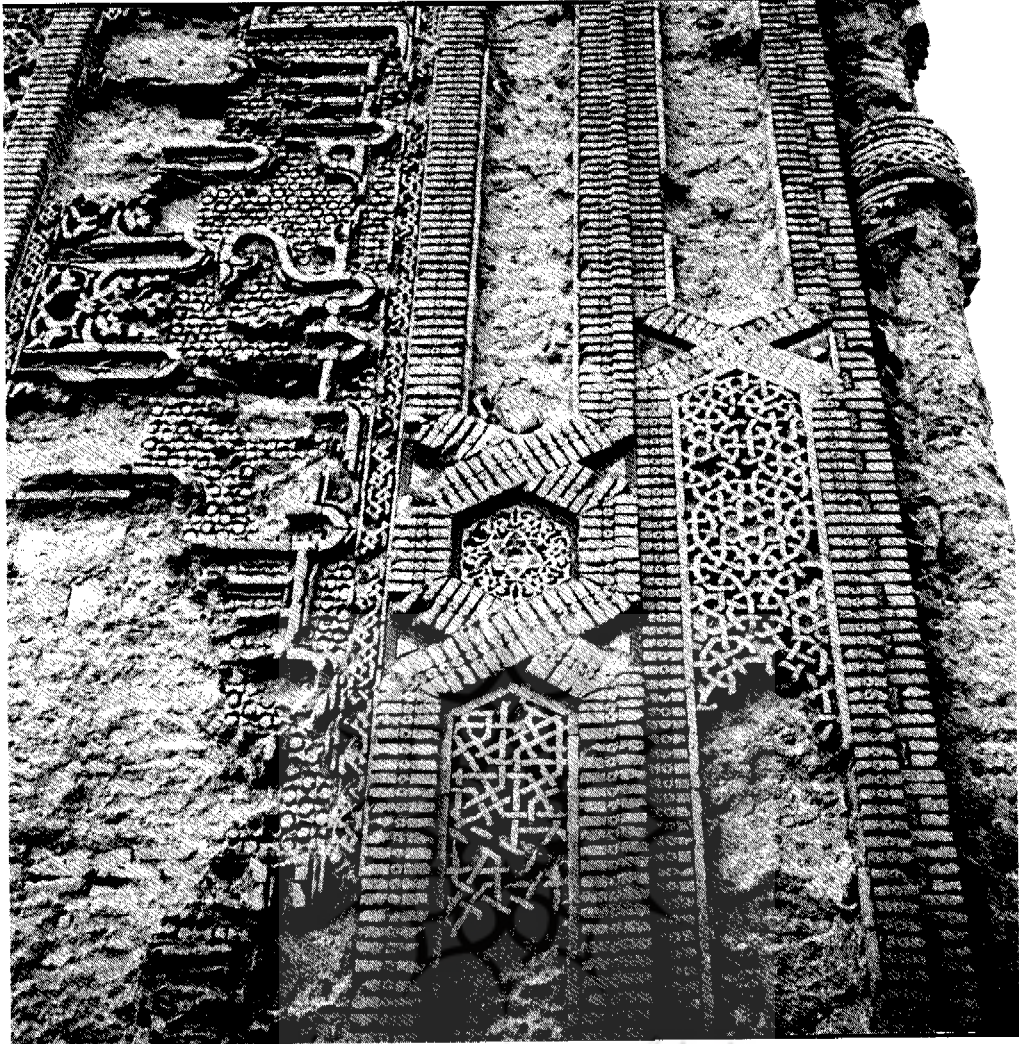
زینت اماکن متبرکه خود انتخاب می‌نمودند و به کار می‌گرفتند. در بعضی موارد که دسترسی به آجر و کاشی مشکل بود از نقاشی‌های گیاهی به نحو احسن استفاده کردند. که برای نمونه می‌توان به مسجد موهبت‌خان در پیشاور پاکستان اشاره کرد. کاشی‌کاری در ایران پیشرفتی شگرف از خود برجای گذاشت که اثرات آن را می‌توان در تمام موزه‌های دنیا و در بناهای موجود مشاهده کرد.

آنچه که اختراع می‌شود و یا هنری که ابداع می‌گردد باید با نامی خوانده شود و اجزا هر شیئی از ابزارها باید با نامی همراه باشد که برای آن شناخت لازم است.

زمانی که هنر کاشی‌کاری به وجود آمد و هنرمندان به آن پرداختند، ضرورت پیدا کرد، فرهنگی که بتواند گویای آن هنر باشد مطرح گردد. این فرهنگ را می‌توان در نام ابزارهایی که در کاشی‌کاری به کار می‌روند و قطعاتی که از کاشی تراشیده می‌شوند و نامی که

گل و بینه با تراش دادن آجرها - بزد - سر در کاروانسرا





مسجد جامع زوزن - آجر پیش‌بُر

کم و بیش در نقاط مختلف نفوذپذیری اسلام می‌توان آن را دید. البته این خط در کشورهای مختلف از تنوع خاصی برخوردار است.

از قرن نهم به بعد کاشی‌کاری به اوج خود رسید و هنرمندان به رنگ‌های تازه و ابتکارات جدید تراش و سبک‌های مختلف تا حد امکان شیوه‌های گوناگون را مورد استفاده قرار دادند.

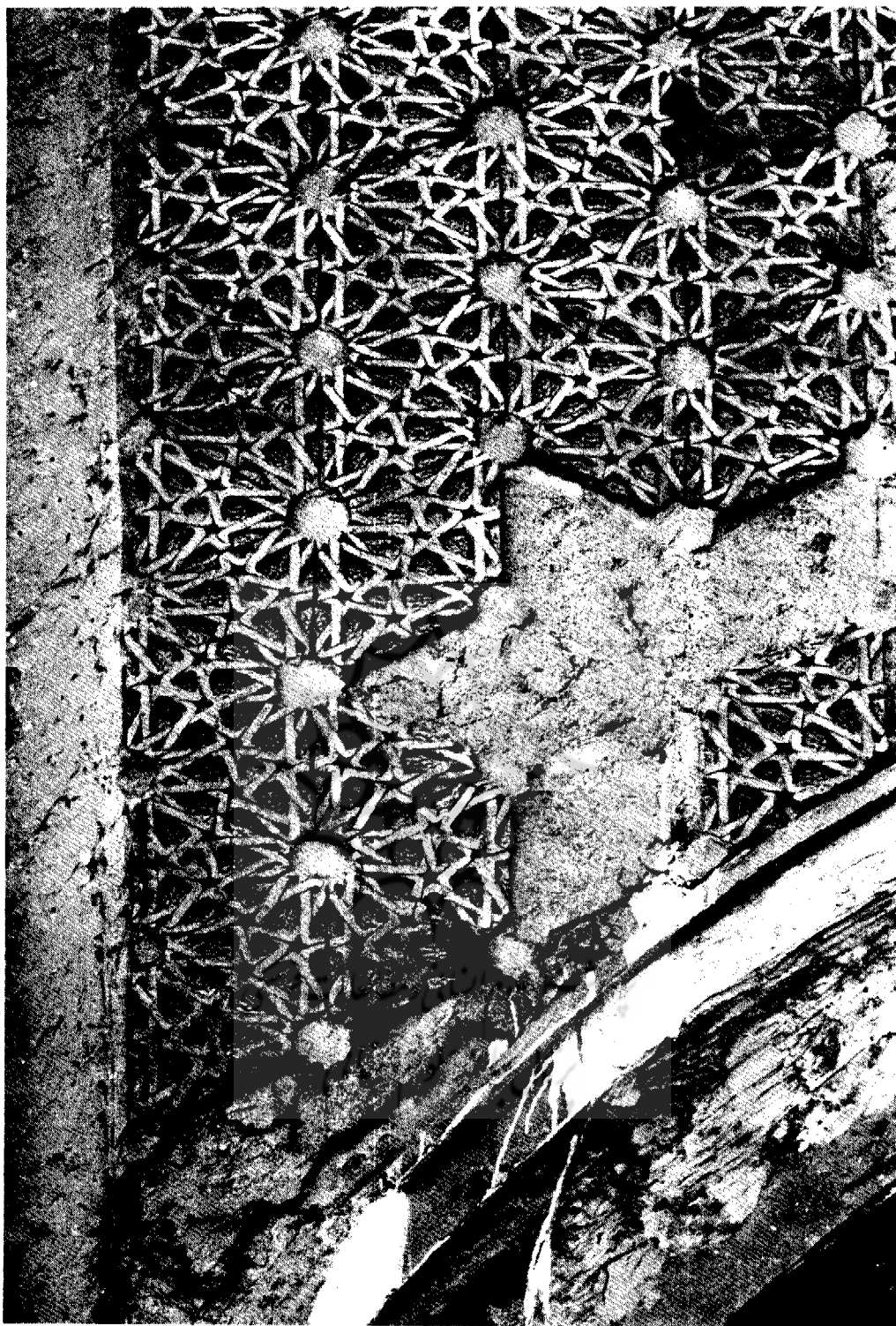
معرق یکی از این هنرهاست؛ در این هنر نقش را بر

می‌آوردند.

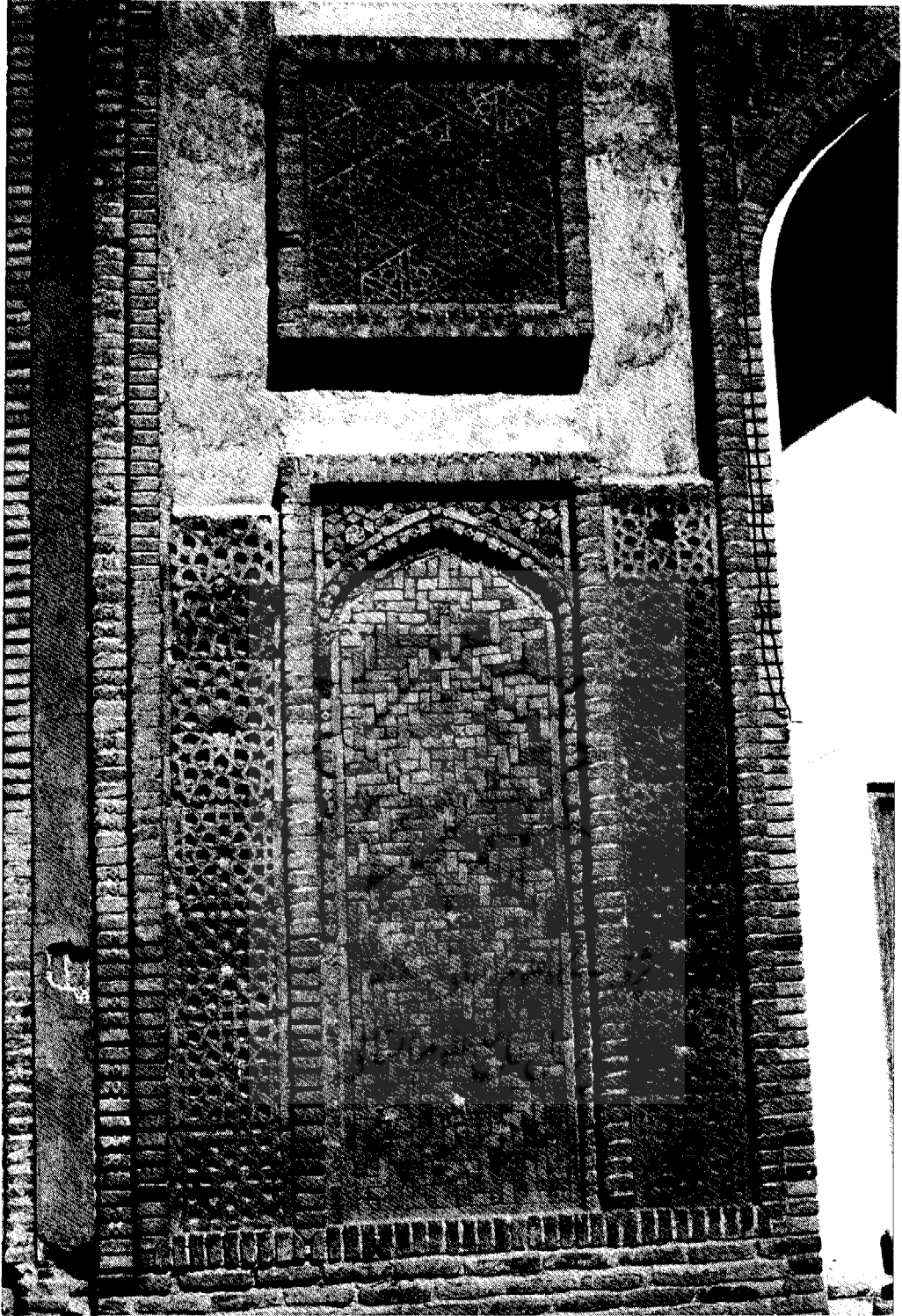
البته این نقش‌ها تکراری از یک نقش بود که پس از پهلوی هم قرار دادن نقش کاملی به دست می‌آمد.

در حدود قرون هفتم و هشتم خط را وارد کاشی‌کاری کردند و هنری نو بر پیکر بناها نمایان گردید که به خط بنایی معروف شد؛ این هنر نیز مجموعه‌ای از قواعد را دربر می‌گرفت.

خط بنایی در تمام دوران با کاشی‌کاری همراه بود و



کاشی مهوری - فرورد - مسجد جامع



کاغذ می‌کشیدند و پس از کمی کردن یا گرده برداری با یک تیغه تیز از روی خطوط گل و بوته‌ها را می‌بریدند و سپس تکه‌های بریده شده را که ضمناً تعیین کننده رنگ‌ها نیز هستند روی کاشی یا همان رنگ موردنظر می‌چسبانیدند و آنگاه اطراف گل و بوته را تراشیده و پهلوی یکدیگر قرار می‌دادند و پشت آن را ملات ریخته و پس از محکم شدن آن را به طور قطعه بلند کرده و در محل مورد نظر نصب می‌کردند.

خط بنایی هم زمان در قرن نهم و دهم ه. ق. چنان پیشرفتی کرد که تقریباً در تمام بناهای آن زمان می‌توان نمونه‌هایی از آن را مشاهده کرد. در اصفهان که پایتخت صفویان محسوب می‌شد هنرمندان علاقه خاصی به هنر خط بنایی نشان دادند و هر بنایی که می‌ساختند قسمتی از کار را به آن اختصاص می‌دادند و در حال حاضر هم اصفهان غنی‌ترین محل خط بنایی است.

خط بنایی در بدو امر از کلمات مقدس مانند الله، محمد(ص) و علی(ع) که به طور دورانی در یک شمسه یا مشابه آن به حرکت در می‌آوردند تشکیل می‌شد که آنها را به اشکال مختلف می‌نوشتند البته این نوشته‌ها با ذوق صاحب هنر همراه و در مجموع از تنوع خاصی برخوردار بود که آنها را در مکانی به کار می‌بردند. زمانی از شکل خاص خود که در یک مربع یا مربع مستطیل بود فراتر رفت و در ترنج‌ها و پشت و بغل قوس‌ها از آن استفاده شده باز هم هنرمندان قانع نشدند و خط متداخل و یک رگی معقلی و سه‌رگی معقلی را عرضه کردند. متداخل چنان بود که کلمه‌ای مانند الله یا مشابه آن را می‌نوشتند و یک سوره از قرآن مجید را داخل آن با خط بنایی می‌آراستند، یک رگی معقلی خطی بود که کاشی‌ها را که از مربع یا مربع مستطیل بود و به طور مربع قناس پهلوی یکدیگر می‌چیدند و سه رگی معقلی خطی بود که مربع‌های کوچک را در سه ردیف پهلوی یکدیگر قرار می‌دادند؛ دو ردیف طرفین از یک رنگ و ردیف وسط از رنگ

دیگری انتخاب می‌شد.

مشابه این خطوط را به راحتی می‌توان در مدرسه چهارباغ اصفهان، مسجد سید، مدرسه نیم‌آورد، مدرسه کاسه‌گردان و مسجد جامع بالاخص و به طور اعم در مساجد دیگر و مدرسه‌ها و اماکن مقدسه یافت و مشابه این خطوط را که بیشتر معقلی هستند می‌شود در تاپیاد مقبره شیخ زین‌الدین و در هرات مقبره خواجه عبدالله انصاری مشاهده کرد.

البته پیشرفت‌های دیگر هم در خط مشاهده شد مانند خط معقلی نگین‌دار که در ساختمان مقبره شیخ زین‌الدین به کار برده شده می‌توانیم مشاهده کنیم در ضمن باید یادآورد شویم که نماسازی و زینت بناها مربوط به دوران ساختمان آن بنا نیست که بتوانیم تاریخ ساختمان هر بنا را با تزئینات آن و در یک زمان بدانیم چرا که در جهان اسلام رسم بر این بود که اسکلت را می‌ساختند و تزئینات و نماسازی آن را در طول زمان به کندی انجام می‌دادند.

هنرمندان توانستند در شهرهای خود به ابتکاراتی دست زنند، خط بنایی‌هایی که در حاشیه کویر مشاهده می‌شود بیشتر از خط بنایی معقلی می‌باشد که در تاپیاد از نوع نگین‌دار آن ساخته شده البته این بناها مربوط به قرون هفتم و هشتم ه. ق. است ولی برای تزئینات آن تاریخی به چشم نمی‌خورد. خط بنایی‌هایی که در اصفهان است مربوط به دوره صفویه بوده و خطوط بنایی که در یزد و کرمان می‌باشد و تقریباً با گره‌کشی همراه هستند که بعضی از آنها متداخل نوشته شده‌اند و قسمتی از آن را در نقش گره می‌توان یافت. خط بنایی‌های مسجد جامع یزد و کرمان می‌توانند الهامی از خط بنایی‌های دوران صفویه و قبل آن باشد و تاریخ دقیقی برای آن فرض نیست.

گره‌کشی که علمی است هندسی از چیدن چند ضلعی‌ها پهلوی یکدیگر با قواعد خاص که بر آنها حاکم است به وجود می‌آید. به طور کلی بشر از روزی

که خود را شناخت تا حدی آگاه با علم هندسه روبه‌رو بوده یعنی هر سطحی و حجمی که به وجود می‌آورد عمل هندسه بود که خود از آن آگاهی نداشت تا اینکه بشر به اختراع خط پرداخت و کم‌کم علم هندسه را شناخت.

با شناخت این علم و گسترش روزافزون آن و با قواعدی که برای هر یک از ریزه‌کاری‌های آن به وجود آمد و با پشت‌کار هنرمندان، گره‌کشی در دوران کاشی‌کاری ایران به اوج خود رسید که امروزه همه هنرمندان از آن بهره می‌گیرند و در دید همگان جای دارد.

علم گره‌کشی را می‌توان گفت که اول از تزیینات آجری که از حرکت اشکال از مربع و مربع مستطیل و لوزی و غیره به وجود آمد و به مرور زمان با قواعد پیچیده خود را نشان داد که هر چه از شروع آن گذشت هنرمندان با توان و پشتکار بیشتر توانستند این علم در هم پیچیده را به نحو احسن به پیکر بناها نمایان سازند. به طور کلی کاشی از خاک رس در شهرهایی که به سفالگری مشهور بودند به دست آمد مانند نیشابور، ری، کاشان، ساوه، اصفهان و بعضی از شهرهای دیگر؛ در این شهرها خاک رس را بعد از خمیر کردن و ورز دادن با هنر دست به اشکالی مانند کوزه و کاسه و دیگر ظروف سفالی در می‌آوردند و بعد از اینکه در کوره پخته می‌شد و به شکل سفال یا بهتر بگوییم گل پخته در می‌آمد، با لعاب، نقاشی می‌کردند یا به طور یک رنگ روی ظروف مورد نظر را با لعاب می‌پوشانیدند و دوباره به کوره برده حرارت می‌دادند تا پخته شود. برای ساختن کاشی گل ورز داده را در قالب می‌ریختند و آن را در محلی صاف برگردان می‌کردند، خشت پس از دو نم شدن به شکل نره‌ای در مقابل جریان هوا قرار می‌گرفت تا خشک می‌شد پس از خشک شدن آن را به کوره‌ای می‌بردند و حرارت می‌دادند و به شکل آجر از کوره خارج می‌کردند (معمولاً بهترین اندازه خشت

کاشی در نزد کاشی‌کاران  $2 \times 15 \times 15$  سانتیمتر است) آجر که از کوره خارج شد سطح آن را به وسیله سنگ سنباده صافی صیقلی می‌کنند و سوراخ‌های روی آن را با نرمه آجر می‌پوشانند (به اصطلاح سوراخ‌ها را سوراخ کرمو می‌گویند)، پس از صاف‌کاری در کاشی‌های یک رنگ روی سطح آجر را به لعاب آغشته می‌کنند و به آن حرارت می‌دهند تا پخته شود و آجری لعابدار (کاشی) از کوره خارج می‌شود که به رنگ‌های مختلف است و برای ریزه‌کاری آماده است ولی برای کاشی‌های هفت رنگ روی آجر را با لعاب به رنگ دلخواه می‌پاشند و پس از حرارت دادن به نام زیررنگی آماده کار می‌شود که معمولاً بیشتر از رنگ سفید استفاده می‌کنند؛ کاشی‌ها از مربع‌هایی تشکیل شده که پهلوهای هم چیده می‌شود و هر نوع نقشی که مورد نظر است اول گرده‌زنی روی آن انجام می‌گیرد و دوباره به کوره برده و حرارت داده می‌شود، کاشی از کوره که خارج شد رنگ آمیزی می‌شود دوباره به کوره برده و حرارت می‌دهند، کاشی از کوره که خارج شد به روی کار قرار می‌گیرد و با ملات به دیوار محکم می‌شود. نمونه کاشی‌های هفت رنگ را در مسجد شاه امام اصفهان به طور فراوان می‌توان یافت.

از کاشی‌های هفت رنگ که بگذریم نوبت به کاشی‌های معرق و گره‌کشی و تراش دادن به آنها می‌رسد. اول نقش مورد نظر را مطابق الگویی که دارند روی کاغذ می‌کشند و از آن کپی تهیه می‌کنند و روی هر گل یا گل‌های مشابه را شماره‌گذاری نموده به طوری که برای هر رنگ از یک شماره استفاده می‌کنند تا در موقع کار بتوانند از روی شماره‌ها قطعه یا قطعات را بشناسند و بعد با یک تیغه تیز که تیغه برش است و به نام کاغذبر معروف است از روی خطوط نقش‌ها را بریده و هر رنگی را روی کاشی هم‌رنگ با سریش می‌چسبانند؛ پس از خشک شدن آماده تراشیدن می‌شود. اول قطعات کاشی‌ها را از هم جدا می‌کنند و سپس استاد

کاشی تراش با یک تیشه نوک باریک لعاب اطراف کاغذهای چسبانده شده را می تراشد که به آن لبزدگی می گویند سپس استاد دیگری آجرهای اطراف گل را می تراشد که به آن گل بردگی می گویند؛ در بعضی از مواقع اگر تخم دان های گل ریز یا کوچک باشد با مته توی آن را سوراخ و قطعاتی کوچک می تراشند و داخل آن سوراخ ها کار می گذارند که به نام تخمه گذاری معروف است.

قطعات که تراشیده شد روی زمین صافی که تخمیز نامیده می شود آنها را از روی شماره های قبلی پهلوی یکدیگر قرار داده و پس از تقسیماتی به نام پارچه با ملات پشت آنها را محکم می نمایند پس از خشک شدن ملات، پارچه را از روی زمین به روی دیوار انتقال داده و در جای خود نصب و پشت آن را با ملات محکم می کنند.

گره کشی نقش مایه ها خود از قوانین هندسی برخوردار هستند به طوری که هر نقش ساده ای می تواند به نقشی بزرگ و بزرگ تر تبدیل گردد بنابراین نقش ها به طور کلی دارای قواعد خاصی هستند و هر نقش مایه از یک نقش بزرگ به دست می آید و می تواند خود زمینه نقش دیگر گردد و سطح بناها را یکی پس از دیگری ببوشاند و هنرمندان بیشتر اوقات خود را وقف این هنر کردند تا توانستند هر چه بهتر این هنر را عرضه نمایند با اینکه حدود ده قرن از شروع کاشی کاری می گذرد امروزه کاشی کاری در تمام نقاط کشور رو به پیشرفت است و اگر در شهری یا مکانی پخت کاشی یا خاک رس مخصوص امکان پذیر نباشد می توان به راحتی کاشی را به محل مورد نظر حمل کرد و اگر هنرمندی آنجا وجود نداشته باشد از هنرمندان شهرهای دیگر استفاده نمود. بنابراین می توان کاشی کاری را در تمام نقاط ایران به طور یکنواخت پیاده کرد و از نظر آب و هوا، کاشی اگر مستقیم در برابر باران و برف نباشد با آب و هوای همه مناطق مناسب است. معمولاً در

روی گنبدها از کاشی نره ای استفاده می شود که ضخامت آن بین ۵ تا ۱۵ سانتی متر است و لعاب روی آن با آلیاژهای بهتری تهیه می شود که در مقابل برف و باران و یخبندان مقاوم باشد. هنر کاشی کاری ایران نسبت به پیشرفتی که داشت در دیگر نقاط تحت نفوذ اسلام مانند پاکستان، عراق و ایالات مسلمان نشین شوروی گسترش یافت؛ در این مکان ها کارهایی نیز انجام گرفت. در مسجد وزیرخان لاهور اشعاری فارسی با خط نستعلیق بر دیوار مسجد لاهور نوشته شده، در تته پاکستان در مسجد شاه جهان اشعاری با خط نستعلیق فارسی نوشته شده است.

کاشی کاران آن دیار اظهار می دارند که اجداد آنها ایرانی بوده یا کارگرانی هستند که به وسیله ایرانی ها تربیت شده اند. در افغانستان کاشی کاران همیشه با کاشی کاران ایران در تماس بوده و کارهای هنری خود را رد و بدل می کنند، در اماکن مقدسه عتبات عالیات تمام هنرهای کاشی کاری از آن ایرانیان است، در سوریه (دمشق) کاشی کاری های حرم مطهر حضرت زینب (س) از آن ایرانیان است و هنوز هم هستند استادانی که به این هنر عشق می ورزند و بدان می پردازند.